

ضرورت بازنگری در ملاک و آیین جبران خسارت از متهمان بازداشت‌شده در فرایند دادرسی کیفری ایران*

علی آقابابائی بخشایش** بتول پاکزاد*** محمدعلی مهدوی ثابت**** منصور رحمدل*****

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۶)

چکیده

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به نحوی که مورد استقبال عموم حقوقدانان قرار گرفته، متهمانی که پس از مدتی بازداشت با صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت مواجه می‌شوند علی‌الاصول مستحق دریافت خسارت از دولت قلمداد شده‌اند. به رغم مزایای مترتب بر این نوآوری که بر آنها به قدر کافی تأکید شده، نکته‌ای که در این میان مغفول مانده این است که تعهد ایران به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، جبران خسارات ناشی از دستگیری‌ها و بازداشت‌های غیرقانونی است، خواه فرد بازداشت‌شده گناهکار باشد خواه نباشد، نه جبران خسارت بازداشت‌شدگانی که تنها به دلیل شبهه یا عدم کفایت دلیل از آنها رفع اتهام می‌شود. این مقاله بر پایه تفاوت‌های موجود در میان ملاک «متهم بی‌گناه» از یک سو و «بزه‌دیده بازداشت غیرقانونی» از سوی دیگر، به بررسی مزایا و به ویژه نقاط ضعف مقررات موجود در حقوق ایران پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده ضرورت تغییر ملاک و فرایند جبران خسارت و نیز تجدیدنظر قانونگذار در مطلق دانستن مسئولیت دولت، قطع نظر از مراجعه غیرواقع‌بینانه دولت به اشخاص مقصر در بازداشت متهم هستند. به نظر ما اجرای غیرمحتاطانه مقررات موجود می‌تواند نتایج ناخواسته و پیش‌بینی‌نشده‌ای داشته باشد و نباید در استقبال از آنها تعجیل ورزید. واژگان کلیدی: قرار منع تعقیب، حکم برائت، خسارت‌زدایی، متهم بی‌گناه، بازداشت ناموجه.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای علی آقابابائی بخشایش به راهنمایی دکتر بتول پاکزاد و دکتر محمدعلی مهدوی ثابت با عنوان «جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌تقصیر در حقوق کیفری ایران با نگاهی به اسناد و رویه بین‌المللی» است.

** دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

D.b.pakzad@gmail.com

**** استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

***** استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

دستگاه عدالت کیفری گاهی خود منشأ بی‌عدالتی و ورود خسارت ناروا به اشخاص می‌شود. برجسته‌ترین نمود آن بازداشت‌های غیرقانونی یا ناموجه متهمان است. هر قدر هم که مقررات آیین دادرسی کیفری با دقت تدوین شوند و قضات هم در تعقیب و رسیدگی‌ها دقت به خرج دهند، به دلیل ماهیت پیگردهای کیفری و ضرورت‌های ناشی از حفظ امنیت و الزامات آن از قبیل جلوگیری از فرار متهمان و ضرورت تصمیمات سریع و ...، بازداشت برخی متهمان بی‌گناه اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در عین حال، مسلماً مواردی وجود دارند که بازداشت متهم صرف نظر از گناهکاری یا بی‌گناهی از آغاز با نقض ضوابط قانونی یا حقوق شهروندی همراه بوده یا به دلیل اهمال یا تأخیر ناموجه در فرایند تحقیقات، بیش از حد معقول و منطقی طولانی شده و موجب تضییع حقوق متهم گردیده است. بر این اساس، نظام دادرسی کیفری، با دو پدیده قابل تفکیک مواجه است: یکی متهمانی که با استناد به ضوابط قانونی و ادله موجود در پرونده به طور موجه و به مدت معقول از باب ضرورت‌های ناشی از تحقیقات مقدماتی و دادرسی بازداشت شده و نهایتاً حکم برائت یا قرار منع تعقیب قطعی دریافت می‌دارند؛ دوم، گروه دیگری از متهمان که در شروع بازداشت یا تداوم بازداشت آنها ضوابط قانونی نقض گردیده، مثلاً پرونده آنها با سرعت متناسب تعیین تکلیف نشده، قرار بازداشت یا قرار تأمین منتهی به بازداشت آنها موجه یا متناسب نبوده است یا از حقوقی از قبیل دسترسی به وکیل یا رسیدگی به اعتراض قانونی خود نسبت به بازداشت محروم مانده‌اند. هر دو گروه، در عالم واقع ممکن است گناهکار یا بی‌گناه باشند، زیرا صدور قرار منع تعقیب یا رأی برائت گروه نخست چه بسا به این علت بوده که آنها به رغم ارتکاب جرم توانسته‌اند از مجازات بگریزند و نقض حقوق و بی‌عدالتی روا داشته‌شده با گروه دوم نیز ارتباطی با نوع رأی نهایی مرجع قضایی و گناهکاری یا بی‌گناهی آنان در عالم واقع ندارد. پرسشی که در این مقاله طرح می‌شود این است که نظام عدالت کیفری باید خود را در مقابل کدام یک از این دو گروه مسئول بداند؟ یکی یا هر دو؟ همین‌طور به بررسی مقررات مربوط در حقوق ایران خواهیم پرداخت تا ضمن آشنایی با تفسیر صحیح آنها، در باب ضرورت یا عدم

ضرورت اصلاح حقوق ایران در این زمینه داوری نماییم.

بر اساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در صورت تخلف عمدی یا تقصیر مقام قضایی در اجرای قانون یا وظایف قضایی، خود وی مسئول خواهد بود، ولی در صورتی که با وجود بروز اشتباه قضایی، تقصیری متوجه مقام قضایی نباشد، مسئولیت جبران خسارت با بیت‌المال خواهد بود. ظاهر از اصل مذکور این است که جبران خسارت گروه دوم فوق قطعاً ضرورت دارد، چراکه آنان بر اثر اشتباه یا تقصیر مقام قضایی دچار بازداشت غیرقانونی شده و به معنی واقعی کلمه بزه‌دیده نظام قضایی شده‌اند. اما در مورد گروه نخست، اشتباه یا تقصیری از مقام قضایی سر نزده و حسب تعریف، بازداشت آنها اقدامی ضروری و متناسب در واکنش به اتهام و وضعیت آنها بوده، اگرچه ممکن است این گروه نیز بزه‌دیده اموری از قبیل اعلام خلاف واقع جرم یا شهادت دروغ شده باشند، که قاضی را به اتخاذ تصمیم مبنی بر صدور قرار تأمین منتهی به بازداشت واداشته است. نباید گمان کرد که تیرئه متهم نشان‌گر اشتباه بودن صدور قرار تأمین منتهی به بازداشت است، زیرا قرار تأمین ماهیتاً چیزی جز یک اقدام احتیاطی و موقت برای پیشگیری از خطرات احتمالی نیست و نمی‌توان احتیاط را ذاتاً و به تنهایی در هیچ حالتی اشتباه تلقی کرد و تیرئه بعدی متهم نیز در این زمینه بی‌اثر است. از این رو، به عقیده ما استناد به اصل مذکور در قانون اساسی برای جبران خسارت حاصل از بازداشت‌های کاملاً قانونی و متناسب مبنای محکمی ندارد.

تحوّلات قانونگذاری در ایران، در جهت حمایت از حقوق شهروندی، به پیش‌بینی مقررات خاص در قانون جدید آیین دادرسی کیفری برای جبران خسارت ناشی از بازداشت «متهم بی‌گناه» منجر شده است، لیک جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی در حقوق کنونی فقط در صورتی متصور است که از متهم با صدور قرار منع تعقیب یا رأی برائت به کلی رفع اتهام شده باشد. «بنابراین اگر پرونده متهم منجر به صدور حکم محکومیت (اعم از تعلیقی و قابل اجراء) گردد، وی حق جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی خود را نخواهد داشت دلیل این امر آن است که هدف قانونگذار صرفاً جبران خسارت (متهم بی‌گناه) بوده است نه جبران خسارت

(بازداشت ناروا) اما مناسب بود قانونگذار جبران خسارت متهمان محکوم شده‌ای را هم که به طور غیرقانونی مثلاً بدون رعایت موارد و شرایط بازداشت موقت موضوع مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ ق.آ.د.ک بازداشت شده‌اند پیش‌بینی می‌کرد. در پاسخ ممکن است گفته شود که در مورد این اشخاص، کسر ایام بازداشت موقت از میزان محکومیت می‌تواند کافی باشد، اما این پاسخ نمی‌تواند در مورد جرایمی که مجازات آن زندان نیست، قانع‌کننده به نظر برسد و سبب تحمیل حبس (به صورت بازداشت ناروا) به جای جزای نقدی شود» (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۵۵).

این نوشتار با هدف تحلیل و بررسی مقررات مربوط به جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم بی‌گناه در قانون فعلی آیین دادرسی کیفری تدوین شده و همچنین به دنبال شناسایی نقاط ضعف و قوت مقررات موجود است. از این رو، مبانی، شرایط و فرایند جبران خسارت ناشی از بازداشت و انطباق یا عدم انطباق قواعد حقوق کنونی با تعهدات بین‌المللی کشور ارزیابی می‌شوند. این مقاله در سه بخش به بررسی ضرورت بازنگری در ملاک و آیین جبران خسارت از متهمان بازداشت‌شده در فرایند دادرسی کیفری ایران می‌پردازد: بنیان‌های نظری (شماره ۱)؛ بررسی انتقادی شرایط شکلی و ماهوی جبران خسارت در پروتوکل مقررات بین‌المللی (شماره ۲)؛ و مسئولیت دولت در جبران خسارت (شماره ۳). سپس، با ارائه نتایج، پیشنهادها و راهکارهای مشخصی برای نظام حقوقی کشورمان مطرح می‌شوند.

۱. بنیان‌های نظری

تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، که از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم‌الاجراء گردید، مسئله جبران خسارت ناشی از بازداشت و حبس تحمل‌شده به دستور مقامات قضایی، آنگاه که منتهی به رأی برائت یا منع پیگرد می‌گردید، به طور خاص و مشخص در هیچ یک از مقررات جاری پیش‌بینی نشده بود. علاوه بر این، مقررات عام مسئولیت مدنی به تنهایی برای جبران ضرر و زیان‌های ناشی از چنین بازداشت‌هایی کافی نیستند، زیرا ابهامات زیادی در خصوص مبنای مسئولیت دولت، منشأ و اشکال خسارت قابل جبران، شیوه‌های جبران و مسئولین نهایی خسارت

وجود دارند. بنابراین، پیش‌بینی صندوق خاص و نیز مراجع اختصاصی و به دور از تشریفات عادی و قواعد عمومی آیین دادرسی مدنی لازم است، زیرا شخصی که یک بار بزه‌دیده نظام عدالت کیفری شده است نباید دوباره بزه‌دیده مشکلات ناشی از تشریفات و مقررات قانون آیین دادرسی مدنی برای دریافت خسارت شود. از این رو، نظام عدالت کیفری برای جبران این بی‌عدالتی باید سازکارهای سریع، ساده و قابل دسترس را برای متهم بی‌گناه یا زیان‌دیده از بازداشت غیرقانونی پیش‌بینی و امکان ترمیم اشکال گوناگون ضرر و زیان اعم از مادی و معنوی را فراهم کند. خوشبختانه در مواد ۲۵۵ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری، گام‌های اساسی برای نیل به این اهداف برداشته شده است؛ این مقررات در این زمینه دارای نوآوری‌هایی از حیث ایجاد مراجع خاص استانی و ملی برای رسیدگی به درخواست‌ها و صدور حکم و تأسیس صندوقی برای پرداخت خسارات مورد حکم زیر نظر وزیر دادگستری هستند. آیین‌نامه اجرایی مربوط نیز در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱ تحت عنوان «آیین‌نامه شیوه رسیدگی و اجرای آرای کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت» در ۲۷ ماده و ۹ تبصره از تصویب رئیس قوه قضائیه گذشته و زمینه را برای اجرای عملی مقررات قانونی فراهم کرده است.

در توجیه ضرورت مسئولیت دولت برای جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم پس از صدور قرار منع تعقیب یا رأی برائت، به مواردی نظیر ضرورت رعایت مساوات میان افراد جامعه در تحمّل مخارج و عوارض جانبی برقراری عدالت و نیز به اصل برائت استناد می‌شود. برای نمونه، گفته می‌شود که بازداشت متهم بی‌گناه (تبرئه‌شده یا برخوردارشده از قرار منع تعقیب) نشان می‌دهد که ظلمی در حق او روا داشته شده که با رأی برائت مغایرت دارد؛ ضمن آنکه هزینه‌ها و عوارض ناخواسته ناشی از فعالیت نظام عدالت کیفری باید میان تمام افراد جامعه یکسان توزیع شود و ناعادلانه خواهد بود که این هزینه‌ها و مخارج را تنها تعداد خاصی از اشخاص که در فرایند دادرسی بازداشت می‌شوند به تنهایی تحمّل نمایند (Domnech-pascual & Puchades-).

(navarro, 2013: 1-2). اما به نظر ما به دلایل زیر این توجیحات همیشه قابل قبول نیستند:

نخست اینکه اگر هیچ تخلف و تقصیری از سوی مقامات حکومتی در بازداشت متهم یا تداوم

آن صورت نگرفته و مقررات مربوط از هر حیث کاملاً رعایت شده و مدّت بازداشت شخص هم با توجه به جمیع اوضاع و احوال قضیه در حدّ ضرورت و کاملاً متناسب باشد، جبران خسارت ناشی از بازداشت تنها در صورتی به حکم عقل لازم است که نخست، شبهه‌ای در بی‌گناهی حقیقی متهم نباشد و دوّم، شخص دیگری غیر از دولت مسئول جبران خسارت نبوده یا شخص مسئول تمکّن جبران خسارت را نداشته یا استیفای حقّ متهم از اموال وی دشوار باشد. توضیح اینکه در حقوق کیفری به دلیل وجود اصول تفسیر شکّ به نفع متهم در حقوق ماهوی و فرض بی‌گناهی در حقوق شکلی، چه بسا با عدم مجازات کسانی مواجه می‌شویم که در عالم واقع سزاوار کیفر بوده‌اند، اما به علّت وجود شبهه یا از بین رفتن ادلّه یا به دست نیامدن دلایل کافی از آنها به هر تقدیر رفع اتهام شده است. پس جبران خسارت به صرف صدور رأی برائت یا قرار منع تعقیب به این معنی است که بپذیریم به تعدادی از مجرمان واقعی که جرم آنها اثبات نشده، توسط دولت خسارت پرداخت گردد. این امر به معنی افزایش سود احتمالی حاصل از ارتکاب جرم در نظر بزهارک بالقره و احتمالاً تشویق او به پذیرش خطر یا ریسک ارتکاب جرم خواهد بود، زیرا با خود خواهد اندیشید که در صورت بازداشت شدن برای ارتکاب جرم، چه بسا نه تنها تبرئه شود بلکه از دولت خسارت هم دریافت کند (Domnech-pascual & Puchades-navarro, 2013: 1-2). جهت احتراز از این تالی فاسد، به نظر ما باید در غیر موارد بازداشت غیرقانونی که تخلّفی از مقامات حکومتی سر زده و موجب شروع یا تداوم بازداشت بر خلاف مقررات شده یا ضعف ساختاری نظام عدالت کیفری موجب تداوم نامتناسب بازداشت گردیده، در سایر موارد اثبات بی‌گناهی حقیقی متهم را شرط بدانیم؛ مثل اینکه با آزمایش دی.ان.ای معلوم شود که مرتکب قتل یا تجاوز جنسی مورد نظر شخص دیگری جز متهم تبرئه شده بوده است.

به عنوان دلیل دوّم، باید به این نکته توجه داشت که دولت مسئولیت ناشی از شهادت دروغ یا اعلام خلاف واقع جرم را بیمه‌مجانانی نکرده است! اگر به رغم اینکه شاهد کاذب یا مرتکب اعلام خلاف واقع جرم قادر به جبران خسارت است، دولت را بدون اثبات تقصیر در شروع یا تداوم بازداشت مسئول جبران خسارات حاصل از شهادت کذب یا اعلام خلاف واقع جرم

بشناسیم، به طور غیرمستقیم مشوقی برای شهادت کذب یا اعلام توأم با سوءنیت جرم ایجاد کرده‌ایم که هرگز به مصلحت نیست. در پاسخ به این اشکال ممکن است گفته شود که مراجعه بعدی دولت به شاهد کاذب یا مسئول اعلام خلاف واقع جرم، اشکال را مرتفع می‌سازد. اما به نظر ما این حق رجوع بعدی دولت به قدر کافی برای بازدارندگی از شهادت کذب یا اعلام خلاف واقع جرم بازدارندگی ندارد، چه امکانات دولت برای پیگیری دعاوی خصوصی محدود است و بعید است کارمندان دولت به قدر خود شخص زیان‌دیده از بازداشت، علاقه‌مند به استیفای خسارت از اموال شاهد کاذب یا مسئول‌اعلامات خلاف واقع باشند یا فرصت پیگیری موضوع را پیدا کنند.

سرانجام دلیل سوّم تردید ما در توجیحات عنوان‌شده برای پرداخت خسارت به بازداشت‌شدگان به اصطلاح بی‌گناه این است که پرداخت خسارت بابت بازداشت‌های قانونی در غیر مورد اثبات بی‌گناهی حقیقی متهم، عوارض پیش‌بینی‌نشده‌ای را می‌تواند به همراه آورد، از جمله اینکه احتمال می‌رود مقامات قضایی برای صدور قرارهای منتهی به بازداشت بیش از حدّ منطقی محتاط شوند و این امر به تضعیف کنترل جرم در جامعه کمک کند. همین‌طور در مقابل، این خطر وجود دارد که مقامات قضایی (به خصوص در مواردی که خود قبلاً در صدور قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم مباشرت داشته باشند) به طور ناخودآگاه و از بیم آنکه متهم به رغم مجرمیت واقعی به دریافت خسارت از دولت مبادرت ورزد، در لحاظ فرض بی‌گناهی و توجه به شبهات موجود اهتمام شایسته نورزند، در صدور رأی براءت دغدغه‌های خاصی پیدا کنند یا دست‌کم با آسودگی خاطر قضاوت نمایند.

بنابراین، اعتقاد ما این است که جبران خسارت حاصل از بازداشت تنها در یکی از دو حالت زیر مقتضای عدالت است و در غیر آنها اگر مسئول دیگری برای جبران خسارت حاصل از بازداشت وجود داشته باشد، تکلیف جبران خسارت باید متوجه همان شخص مسئول شود و گرنه به هر حال تکلیفی متوجه دولت نیست. دو حالت مورد نظر عبارتند از: ۱- بازداشت غیر قانونی، یعنی بازداشتی که اگر فرایند دادرسی به نحو صحیح و با رعایت حقوق متهم صورت می‌گرفت

از شروع یا استمرار آن اجتناب می‌شد؛ ۲- بازداشت متهمی که کاملاً و در عالم واقع بی‌گناه بوده، به شرط آنکه جبران خسارت او از محل دارایی شخص دیگری که ممکن است مسئول بازداشت ناعادلانه او باشد قابل جبران نباشد.

۲. بررسی انتقادی شرایط شکلی و ماهوی جبران خسارت در پرتو مقررات

بین‌المللی

مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ایران در باب جبران خسارت بازداشت‌شدگانی که از آنها با صدور قرار منع تعقیب یا رأی برائت قطعی رفع اتهام می‌شود عمیقاً تحت تأثیر حقوق فرانسه است و در میان دو نظام حقوقی ایران و فرانسه در این زمینه شباهت‌های زیادی وجود دارند (مقدسی، ۱۳۹۷: ۱۰۷). در عین حال، قانونگذار ایران فقط به جبران خسارت در فرض بازداشت اشاره کرده و اشاره‌ای به تقاضای جبران خسارت در سایر فروض ندارد. به عبارت دیگر، بنا بر قاعده عدم مسئولیت دادسرا که برای حفظ مصالح عمومی ضروری به نظر می‌رسد متهم نمی‌تواند به اعتبار اسناد ناروایی که از طرف دادستان به وی بر اثر اعلام خلاف واقع جرم صورت می‌گیرد و خسارات مادی یا معنوی به وی وارد می‌شود یا به استناد صدور قرارهای نظارت قضایی یا تأمینی که به بازداشت منتهی نشده ولی ضرری را متوجه او ساخته است تقاضای جبران خسارت کند. اما این پرسش که اگر مبنای واقعی جبران خسارت فرد بازداشت‌شده اصل برائت یا تساوی افراد در برابر قانون است، چرا سایر خسارات متهمان «بی‌گناه» مثلاً خسارت ناشی از ممنوعیت اشتغال به حرفه معین در اجرای دستور نظارت قضایی جبران نمی‌شود، از لحاظ نظری پاسخ خاصی ندارد، مگر اینکه طرفداران مقررات موجود بگویند که خسارت ناشی از بازداشت سنگین‌تر از سایر خسارات است و اولویت با جبران آن است یا بگویند علت این حکم خاص در مورد خسارات حاصل از بازداشت، ارزش والای آزادی تن است که اقتضا دارد خسارت ناشی از بازداشت بدون جبران نماند.

با توجه به مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شرایطی برای جبران خسارت حاصل

از بازداشت پیش‌بینی شده است که می‌توان آنها را به دو دسته شرایط ماهوی و شکلی تقسیم نمود. در این میان، ما به مواردی که بیشتر قابل بحث و انتقاد به نظر می‌رسد مفصل‌تر خواهیم پرداخت.

۱-۲. شرایط ماهوی جبران خسارت

۱-۱-۲. وجود موجب: صدور حکم برائت یا منع تعقیب

موضوع مهم مورد بحث این است که آیا صدور حکم برائت یا قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب برای اعطای خسارت به متهمی که بازداشت گردیده کافی است؟ به عبارت دیگر، آیا دولت مکلف است از تمام اشخاصی که مدتی در بازداشت بوده‌اند و به اخذ حکم برائت یا منع تعقیب موفق شده‌اند جبران خسارت نماید، یا اینکه پرداخت خسارت فقط شامل گروه خاصی از چنین متهمانی است؟ پاسخ اجمالاً این است که حقوق داخلی کشورهای مختلف در این مورد حاکم است. برخی حقوقدانان صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب را برای اعطای خسارت ناکافی می‌دانند و معتقدند متهمی استحقاق دریافت غرامت و جبران خسارت را دارد که بر اثر قاعده تلقی شک به نفع متهم، تبرئه نشده باشد. طبق یکی از پژوهش‌ها، در حقوق شورهای نظیر اتریش، نروژ، اسپانیا و تا حدی در حقوق آلمان، صرف تبرئه متهم به استناد شبهه یا تردیدی که در مجرمیت او وجود داشته موجب الزام دولت به جبران خسارت نمی‌شود، اگرچه تفاوت‌هایی در میان این نظام‌های حقوقی در خصوص ملاک جبران خسارت وجود دارد (Domnech-pascual & Puchades-navarro, 2013: 4-5). بر عکس در بند «الف» قطعنامه سیکل مطالعات سانتیگو جبران خسارت از کلیه متهمان که بی‌گناه شناخته شده یا قرار منع تعقیب آنان صادر گردیده اعم از اینکه واقعاً مقصر بوده‌اند یا خیر توصیه شده است (نک: آشوری، ۱۳۹۵: ۳۷).

هم‌اکنون دیدگاه رایج در حقوق ایران این است که «غیرموجه بودن بازداشت یعنی منجر شدن آن به قرار منع تعقیب یا حکم برائت [اعم از اینکه بازداشت قانونی باشد یا غیر قانونی] و

لذا نیازی نیست که حتماً بازداشت جنبه غیرقانونی داشته باشد [تا مشمول جبران خسارت شود]» (آشوری، ۱۳۹۵: ۲۲۲). حتی تصریح کرده اند که منظور آنها از بازداشت ناموجه بازداشتی است که با رعایت تمام شرایط قانونی انجام پذیرفته اما بعداً در تحقیقات مقدماتی یا محاکمه از متهم رفع اتهام شده است (حیدری، ۱۳۹۶: ۵۶). از دیدگاه این گروه، بین بازداشت غیرقانونی و ناموجه این تفاوت وجود دارد که در بازداشت ناموجه ممکن است اقدامات مقامات قضایی در سلب آزادی از متهم مطابق ادله موجود در پرونده و مطابق موازین صورت گرفته باشند ولی نهایتاً به این نتیجه رسیده اند که متهم بی گناه بوده حال آنکه در بازداشت غیرقانونی از ابتدا سلب آزادی از متهم خلاف قانون بوده است.

اما برخلاف دیدگاه فوق، به نظر می رسد زمانی می توان بازداشت قانونی صورت گرفته را با وجود قانونی بودن، ناموجه دانست که همزمان با تبرئه متهم یا بعد از آن، بی اساس بودن اتهام یا نامعتبر بودن دلایلی که موجب تصمیم بازداشت شده بودند کاملاً ثابت شود، نه اینکه متهم به صرف شبهه عقلایی تبرئه شده باشد. اصولاً جبران خسارت تمام اشخاصی که به علت بی گناهی واقعی یا با استفاده از قاعده شک و تردید تبرئه یا قرار منع تعقیب آنان صادر شده در مقررات بین المللی به عنوان یک قاعده الزام آور پیش بینی نشده است، بلکه کشورها زمانی از نظر بین المللی متعهد به جبران خسارت شخص بازداشت شده هستند که نفس بازداشت یا تداوم آن غیرقانونی بوده یا با نقض تضمینات مربوط به حفظ حقوق افراد بازداشت شده همراه باشد، اعم از اینکه متهم گناهکار یا بی گناه باشد. «معاهدات اصلی حقوق بشر، هیچ حق صریحی برای جبران خسارت متهمان تبرئه شده مقرر نداشته اند؛ همین طور، حقوق بین الملل عرفی نیز حق جبران خسارت به متهمان تبرئه شده اعطا نمی کند، البته به شرط آنکه بازداشت قانونی و به دستور مقام صالح قضائی باشد. اگرچه در شماری از کشورها رویه جبران خسارت مشاهده می شود، این رویه به هیچ وجه جهان شمول نیست. مهم تر اینکه هیچ نشانه ای وجود ندارد که اقدام دولت ها به پرداخت خسارت به متهمان تبرئه شده، به سبب وجود یک تعهد حقوقی الزام آور بوده باشد» (Michels, 2010: 408-409).

حق جبران خسارت ناشی از بازداشت خودسرانه یا غیرقانونی در بند «۵» ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به شرح زیر پیش‌بینی شده است: «هر کس که به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) شده باشد حق جبران خسارت خواهد داشت». کمیته حقوق بشر (به عنوان مرجعی که طبق میثاق، نظارت بر حسن اجرای تعهدات کشورها را در اجرای آن بر عهده دارد) در تفسیر عمومی خود درباره این مقررہ چنین بیان می‌دارد: «در بند ۵ مقصود از دستگیری و بازداشت غیرقانونی اعم است از دستگیری و بازداشتی که در امور کیفری و یا غیرکیفری و یا حتی بدون وجود هرگونه پرونده‌ای علیه شخص زیان‌دیده صورت گرفته باشد. خصیصه غیرقانونی بودن دستگیری یا بازداشت ممکن است از نقض حقوق داخلی و یا از نقض خود میثاق نشأت گرفته باشد، از قبیل بازداشتی که ماهیتاً خودسرانه باشد و یا بازداشتی که با نقض سایر الزامات شکلی مقرر در بندهای مختلف ماده ۹ توأم باشد. با این حال، صرف این حقیقت که متهم کیفری در مرحله بدوی و یا در مرحله تجدیدنظر نهایتاً تبرئه شده باشد، به خودی خود و به تنهایی دلیل آن نیست که هرگونه بازداشت قبلی وی مصداق بازداشت «غیرقانونی» محسوب شود» (به نقل از: حسنی و یوسفیان، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

کمیته حقوق بشر همچنین در تصمیم مورخ یکم دسامبر ۱۹۹۲ خود شکایت یکی از شهروندان هلندی را علیه دولت هلند در خصوص نقض بند «۵» ماده ۹ میثاق در چهارچوب پروتکل اختیاری میثاق که دولت هلند از اعضای آن است پذیرفت. توضیح اینکه در این قضیه، یکی از شهروندان هلند به اتهام قاچاق هروئین ۱۰۹ روز توسط مراجع قضایی آن کشور برای جلوگیری از خطر امحای ادله جرم بازداشت شده و متعاقباً تبرئه شده بود. به رغم این رأی برائت، مراجع صالح تقاضای او را برای دریافت غرامت ایام بازداشت نپذیرفته و استدلال کرده بودند که بازداشت او به جهت وجود دلایل قوی مبنی بر ارتباط وی با قاچاقچیان مواد مخدر اقدامی صحیح و قانونی بوده و هرچند او تبرئه شده، این دلایل باعث می‌شوند که بازداشت او جنبه غیرقانونی نداشته باشد. کمیته حقوق بشر استدلال مقامات هلندی را پذیرفت و اعلام داشت که تبرئه شخص شاکی به تنهایی باعث نمی‌شود که بازداشت او با توجه به دلایل موجود در پرونده غیرقانونی به

حساب آید و میثاق تنها در صورتی پرداخت خسارت را لازم می‌شمارد که بازداشت یا تمدید آن بدون وجود دلایل کافی یا با تخلفات دیگری از مقررات قانونی صورت گرفته باشد. همچنین کمیته استدلال شاکی را مبنی بر اینکه عدم پرداخت خسارت مغایر با اصل براءت است نپذیرفت و تصریح کرد که کاربرد اصل براءت یا فرض بی‌گناهی اختصاص به دادرسی‌های کیفری دارد و در رسیدگی انجام شده برای تشخیص استحقاق شاکی به دریافت خسارت قابل استناد نیست (Human Rights Committee, 1992: paras. 6.3 to 6.6).

در سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز ملاک جبران خسارت از بازداشت‌شدگانی که محکومیت کیفری قطعی نیافته‌اند غیر قانونی بودن بازداشت صورت گرفته است. مثلاً بند «۵» ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ مقرر می‌دارد: «هر کس که از دستگیری یا بازداشتی که با تخلف از مقررات این ماده صورت گرفته متضرر شده باشد، حق قابل اجرای جبران خسارت خواهد داشت». در جدیدترین ویراست از راهنمای رسمی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر (با حذف ارجاعات مکرر آن به رویه قضایی این دادگاه) درباره قلمرو اجرای بند «۵» ماده ۵ چنین می‌خوانیم: «پیش فرض حق جبران خسارت که در بند ۵ مقرر شده این است که خواه توسط یکی از مراجع داخلی یا این دادگاه نقض یکی از بندهای دیگر ماده ۵ احراز گردد. هرگاه هیچ یک از مراجع داخلی نقض مدلول مستقیم یا روح سایر مقررات ماده ۵ را احراز نکرده باشد، بر دادگاه لازم است که پیش از استناد به بند ۵ ماده ۵ خود چنین نقضی را احراز کند. در عین حال، قابلیت اعمال بند ۵ ماده ۵ موکول به این نیست که غیر قانونی بودن بازداشت در سطح داخلی کشورها ثابت شود یا اینکه ثابت شود اگر نقض مقررات صورت نمی‌گرفت، شخص مورد نظر حتماً آزاد می‌شد. دستگیری یا بازداشت ممکن است در حقوق داخلی قانونی بوده، اما با این همه ناقض ماده ۵ باشد که در این حالت نیز بند ۵ ماده ۵ قابل اعمال است» (Council of

1. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, as amended by Protocols No. 11 and No. 14, European Treaty Series No. 5, Rome, 4 November 1950.

(Europe/European Court of Human Rights, 2019: 45).

ملاحظه می‌شود که دادگاه اروپایی حقوق بشر احراز نقض ماده ۵ کنوانسیون را برای جبران خسارت از بازداشت‌شدگان لازم می‌داند، هرچند لازم نمی‌داند رابطه سببیت میان تداوم بازداشت متهم با نقض ماده ۵ ثابت گردد. همین‌طور، دیوان کیفری بین‌المللی به محض رفع اتهام از متهم بازداشت‌شده، مکلف به جبران خسارت نیست، بلکه پرداخت خسارت در چهارچوب اساسنامه دیوان اصولاً زمانی صورت می‌گیرد که بازداشت متهم غیرقانونی باشد. بند «۱» ماده ۸۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «هر کس از دستگیری یا توقیف غیرقانونی متضرر شده باشد، حق قابل استیفائی برای مطالبه غرامت خواهد داشت و علاوه بر آن طبق بند «۳» همان ماده، اگر بازداشت صورت گرفته غیرقانونی نبوده باشد، تنها در شرایط استثنائی (و نه به عنوان یک قاعده عمومی) امکان پرداخت خسارت به متهمی که از بازداشت آزاد می‌شود وجود دارد. بر این اساس، هرگاه دیوان تشخیص دهد در اجرای عدالت قصور شدید و آشکار صورت گرفته می‌تواند به صلاحدید خود مطابق ضوابط مقرر در آیین دادرسی و ادله دیوان، به پرداخت خسارت به شخصی که پیرو رأی قطعی دائر بر براءت یا منتفی شدن تعقیب به جهت مزبور آزاد شده است حکم دهد»^۱.

جالب آنکه در حقوق ایران نیز قانونگذار در پیش‌نویس لایحه آیین دادرسی کیفری با تأثیرپذیری از متن میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ابتدا در ماده ۴۱-۱۲۶ مقرر داشته بود: در صورت غیرموجه بودن (بازداشت) متهم سابق می‌تواند خسارت ایام بازداشت را مطالبه کند. ولی در آخرین اصلاح موجود، در ماده ۲۵۵ مقرر داشته است: اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علتی بازداشت، و از سوی مرجع قضایی حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود می‌توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند. مزیت مهم متن اولیه لایحه (و در حقیقت، نکته کلیدی در متن میثاق) این است که بین تبرئه شدن متهم از یک

1. Statute of International Criminal court (ICC) - 1998.

سو و ناموجه بودن بازداشت از سوی دیگر هیچ ملازمه‌ای وجود ندارد. برخلاف تصور رایج، چه بسا جبران خسارت کسانی که حقوق ایشان در فرآیند رسیدگی و به خصوص در صدور قرار بازداشت به درستی رعایت نگردیده یا متحمل سوءرفتار در ایام بازداشت شده یا به علت کندی روند رسیدگی افزون بر مدت متناسب و قانونی در بازداشت مانده‌اند، برای اجرای عدالت اهمیتی بیشتری نسبت به جبران خسارت متهمان تیره شده داشته باشد.

البته حق جبران خسارت در فرضی که بعد از صدور حکم قطعی، ادله‌ای بدست آیند که آشکارا حاکی از بی‌گناه بودن متهم باشند، تعهد مستقلی است که به موجب بند «۶» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۴ پروتکل هفتم الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ پیش‌بینی گردیده است که شرایط خود را دارد و باید از مقررات مذکور در بند «۵» ماده ۹ میثاق و بند «۵» ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تفکیک گردد (ر.ک. یوسفیان شوره‌دلی و رسولی آستانی، ۱۳۹۲: ۲۷۴-۲۴۷).

کمیته حقوق بشر سازمان ملل به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی ناظر بر رعایت حقوق بشر، در راستای رسیدگی به شکایت یکی از شهروندان استرالیا (کالین اوبرگنگ) علیه کشورش، به تفاوت میان بند «۵» ماده ۹، که مستلزم اثبات غیرقانونی بودن بازداشت است، از یک سو و بند «۶» ماده ۱۴ میثاق، که نیازمند اثبات بی‌گناهی متهم بعد از محکومیت نهایی است، از سوی دیگر اشاره نمود. شاکی در این پرونده توسط دادگاه نخستین در یک فقره از اتهامات متعدد خود محکومیت یافته، اما در مرحله تجدیدنظر در آن یک مورد نیز تبرئه شده بود. وی طبق دستور دادگاه نخستین که بلافاصله بعد از صدور حکم محکومیت غیرقطعی صادر شد زندانی گردید و تا زمان پذیرش تجدیدنظر و تبرئه شدن خود، پنج ماه و نیم در حبس به سر برد. مقامات صالح استرالیا با این استدلال که شرایط استثنائی و خاصی که پرداخت خسارت به عنوان اعانه به شاکی را ایجاب نماید محرز نگردیده، از پرداخت خسارت به وی سر باز زدند. وکیل

1. Protocol No. 7 to the Convention on Human Rights and Fundamental Freedoms, (ETS No. 117, Opened for signature on 22 November 1984).

شاکی پس از ناکامی در مراجع داخلی استرالیا، در چهارچوب پروتکل اختیاری میثاق که به کمیته حقوق بشر سازمان ملل اجازه می‌دهد شکایات افراد مبنی بر نقض مفاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی توسط اعضای پروتکل را بررسی نماید، به کمیته مذکور مراجعه کرد و مدعی شد که امتناع استرالیا از پرداخت خسارت به موکلش ناقض بند «۵» ماده ۹ و بند «۶» ماده ۱۴ میثاق است. کمیته شکایت را غیرقابل استماع تشخیص داد، چراکه در مورد بند «۶» ماده ۱۴ میثاق، اثبات محکومیت نهایی لازم است، حال آنکه شاکی فقط به صورت غیرقطعی محکوم شده بود و در مورد بند «۵» ماده ۹ میثاق، وکیل شاکی هیچ دلیلی غیر از تبرئه موکل خود در مرحله تجدیدنظر ابراز نداشته بود و از نظر کمیته دلیلی که غیرقانونی بودن بازداشت انجام‌شده به دستور دادگاه بدوی را محرز سازد وجود نداشت (Human Rights Committee, 2001: paras. 4.3 and 4.4).

در بند «۲» ماده ۸۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز که مشابه بند «۶» ماده ۱۴ میثاق انشاء گردیده، جبران خسارت از متهمی که بر اثر اعاده دادرسی بعد از تحمل مجازات بی‌گناهی او ثابت می‌شود پیش‌بینی شده است که با موارد بازداشت غیرقانونی یا تبرئه پیش از محکومیت قطعی در بندهای ۱ و ۳ ماده ۸۵ نباید آمیخته شود. همانطور که گفته شد، در فرضی که متهم در دادرسی نخستین و تجدیدنظر (و بدون نیاز به اعاده دادرسی) تبرئه یا از بازداشت آزاد شده باشد، تعهد کشورها در چهارچوب بند «۵» ماده ۹ میثاق دایر مدار خودسرانه یا غیرقانونی بودن بازداشت است. تعهد به جبران خسارت از بازداشت‌شدگانی که توقیف آنها غیرقانونی تشخیص داده شود اعم از آن است که بازداشت از ابتدا غیرقانونی بوده یا تضمینات شکلی مقرر در حقوق داخلی یا بین‌المللی در ادامه بازداشت رعایت نشده باشد و نیز اعم از آن است که متهم در نهایت تبرئه یا محکوم شده یا حتی قرار موقوفی تعقیب او صادر شده باشد.

با وجود آنچه درباره قواعد و مقررات مندرج در اسناد بین‌المللی گفته شد، برابر قوانین بعضی کشورها از جمله قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ کشور فرانسه با اصلاحات بعدی، نه تنها افرادی که حکم قطعی دادگاه مبنی بر برائت آنان صادر شده، بلکه اشخاصی که اتهام وارد به آنان به صدور قرار

منع تعقیب منتج شده است می‌توانند پس از قطعیت قرار مزبور از امتیاز دریافت خسارت استفاده کنند. مهم این است که تعیین میزان خسارت به عهده دادگاه واگذار نشده است، بلکه کمیسیونی مرکب از سه تن از رؤسا یا مستشاران دیوان کشور به این امر رسیدگی می‌کنند. علاوه بر آن، به موجب قانون موصوف، در صورتی که توقیف احتیاطی شخص بی‌گناه بر اثر اعلام مغرضانه یا شهادت کذب به عمل آمده باشد دولت پس از پرداخت خسارت می‌تواند به مسیین برای استرداد مبلغ پرداختی مراجعه کند (ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ با اصلاحات بعدی) و در سایر کشورها مانند اتریش تعیین میزان خسارت وارده اعم از مادی و معنوی به عهده وزیر دادگستری است. در کشور آلمان برابر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۸ مارس ۱۹۷۱ در مواردی که متهم بی‌گناه باشد حق دارد خسارت وارده را مطالبه کند و این دادگاه است که در مورد اصل جبران خسارت تصمیم می‌گیرد. در کشور انگلیس به طور سنتی مسئولیت دولت پذیرفته نبوده و چنانچه قضات از حدود اختیارات خود تجاوز کنند و خسارتی به افراد وارد آید خود مسئول هستند و بایستی در مقام جبران خسارت وارده برآیند^۱ و اصولاً قانونی مبنی بر جبران خسارت وجود ندارد و با ورود خسارت به افراد، از طریق احسان مبلغی از طرف وزارت کشور به ذینفع پرداخت می‌شود^۲ (نک. آشوری، ۱۳۹۵: ۲۵۷).

برخی بر این اعتقادند که حکم ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران حتی «شامل سلب آزادی ناشی از تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطین دادگستری نیز می‌شود» و برای همراهی با این نظر به تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری استناد جسته‌اند که چند ساعت تحت نظر قرار گرفتن متهم را نیز موجب کاستن یک روز از مدت حبس مقرر در حکم محکومیت او دانسته است (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۲۴). این در حالی است که هرچند نمی‌توانیم با نظر این گروه به لحاظ حقوقی مخالفت ورزیم، چنین مسئولیت موسعی برای دولت در مورد جبران خسارات حاصل از بازداشت متهمان، حتی بازداشت به مدت چند ساعت، چه بسا در عمل پیامدهای

1. The King can do no wrong.
2. Right to Compensation.

پیش‌بینی نشده‌ای داشته باشد و معلوم نیست به مصلحت باشد. حتی در حقوق بعضی کشورهای اروپایی مانند آلمان و بلژیک نیز بر فرض رفع اتهام از متهم، خسارات ایام بازداشت که کمتر از آستانه تعیین شده در قانون است قابل جبران نیست (شایگان و آشوری، ۱۳۹۷: ۵۹).

۲-۱-۲. فقدان موانع استحقاق شخص بازداشت‌شده

هرچند ماده ۲۵۵ موضوع حق جبران خسارت را بیان می‌دارد، لیک ماده ۲۵۶ بیانگر اشخاصی که مستحق جبران خسارت یادشده نیستند بوده و این اشخاص را احصاء کرده است: الف) بازداشت شخص ناشی از خودداری از ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد؛ ب) اشخاصی که به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشند یا به هر دلیلی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشند؛ ج) اشخاصی که همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشند. در مورد بند الف) می‌توان به حالتی اشاره کرد که برای مثال شاکی مدعی جعل سند از ناحیه متهم در تاریخ معین است و کارشناس نیز صحت ادعای شاکی را تأیید می‌کند ولی متهم در تاریخ مزبور خارج از کشور بوده و می‌تواند به راحتی با ارائه گذرنامه از خود رفع اتهام نماید اما از این کار امتناع می‌کند و در حالت دوم خود را به جای متهم به عنوان مرتکب جرم معرفی می‌کند، مانند اینکه پدری خود را به جای پسرش به عنوان متهم معرفی کند یا شخصی در اثر تطمیع یا دلسوزی یا شهرت‌طلبی خود را به عنوان مرتکب جرم معرفی کند. همچنین، می‌توان به حالتی اشاره کرد که شخص به علت سهل‌انگاری دلیلی را که بعداً می‌توانست به آن استناد کند تدارک ندیده و تعقیب وی منتهی به بازداشت شده باشد، مانند آنکه در فرض صدور چک وعده‌دار رسیدی حاکی از وعده‌دار بودن چک از دارنده اخذ نکند ولی نتواند وعده‌دار بودن چک را نیز اثبات کند. در حالت سوم به نظر می‌رسد باید این فروض را تفکیک کرد: نخست آنکه اگر برای مثال متهم بابت اتهامی از تاریخ ۹۳/۳/۲۵ تا تاریخ ۹۳/۶/۷ در بازداشت باشد و بابت اتهام دوم از تاریخ ۹۳/۵/۲۵ در بازداشت به سر برود و از بابت اتهام نخست قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر شود به استناد ماده ۲۵۵ نسبت به تاریخ

۹۳/۳/۲۵ تا ۹۳/۵/۲۴ حق مطالبه خسارت خواهد داشت. دوّم آنکه در مورد اّتهام دوّم نیز در صورتی که در نهایت در مورد وی قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر شود از تاریخ ۹۳/۵/۲۵ تا زمان بازداشت حق مطالبه خسارت خواهد داشت. با این کیفیت تنها در صورتی حق مطالبه خسارت نخواهد داشت که تاریخ بازداشت مربوط به دو اّتهام کاملاً هم زمان باشد و نسبت به یکی از اّتهامات قرار منع تعقیب یا حکم برائت و نسبت به اّتهام دیگر قرار موقوفی تعقیب یا حکم محکومیت صادر شود. در کل «منشأ سلب آزادی باید دستور قضایی باشد که در زمان انجام تحقیقات مقدماتی و دادرسی صادر شده است» (ناجی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۳۸۹).

۲-۲. آیین رسیدگی

برابر ماده ۲۵۷، متهم پس از اخذ حکم برائت یا منع تعقیب بایستی ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون به پرداخت خسارت حکم می کند و در صورت ردّ درخواست، متهم می تواند ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را در کمیسیون موضوع ماده ۲۵۸ که صلاحیت رسیدگی به اعتراض اشخاص بازداشت شده را دارد (کمیسیون ملی جبران خسارت) مطرح کند. نکته مهم این است که به لحاظ سهولت امر متهم تنها با ارائه درخواست به این کمیسیون خواسته خود را مطرح می کند و موضوع مشمول مقررات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه های دادرسی و ... نیست. مرجع صلاحیتدار رسیدگی به درخواست جبران خسارت ابتدا کمیسیون استانی بوده که در صورت اعتراض شخص بازداشت شده درخواست وی در کمیسیون به نام کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور که به انتخاب رئیس قوه قضائیه تعیین می شوند مطرح می شود. رأی کمیسیون قطعی و لازم الاجراء است.

۳. مسئولیت دولت در جبران خسارت

قانون در مورد شیوه‌های جبران خسارت سکوت اختیار کرده و تنها به پرداخت خسارت از صندوقی در وزارت دادگستری اشاره کرده است. در ماده ۲۵۹ مسئولیت جبران خسارت را به عهده دولت نهاده است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه، شهادت کذب یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت می‌تواند پس از جبران خسارت به مسئول اصلی مراجعه کند. ماده ۲۶۰ پیش‌بینی صندوقی را در وزارت دادگستری کرده است، که به نظر می‌رسد در این صندوق هزینه‌های وارده به متهم بی‌گناه پرداخت می‌شود و این دولت و دستگاه قضایی است که بایستی طرف حساب مقام قضایی قرار گیرد نه متهمی که برائت حاصل کرده است. این مسئولیت نیابتی دولت در موارد تقصیر غیر عمدی مقامات قضایی و سایر مقامات حکومتی قابل تحسین است و می‌تواند آثار مثبتی به همراه آورد، اما مسئولیت دولت به نیابت از شهود کاذب یا اعلام کنندگان مغرض جرم یا مسئولین و مقاماتی که با سوءنیت در صدد اضرار به متهم بوده‌اند، چنانکه پیش‌تر گفتیم، می‌تواند از بازدارندگی مقررات موجود در برابر تقصیرات عمدی مأمورین دولت، شهادت کذب و افتراء بکاهد. از لحاظ مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کمیته حقوق بشر در تفسیری عمومی خود پیرامون بند «۵» ماده ۹ میثاق تصریح می‌نماید: «بند ۵ شکل دقیقی برای احقاق حق جبران خسارت ذکر نمی‌کند و این احقاق حق ممکن است به صورت رجوع به خود دولت باشد یا رجوع به مقاماتی که مسئول تخلف مورد نظر بوده‌اند، به شرط آنکه در هر حال، جبران خسارت جنبه واقعی عملی داشته باشد» (به نقل از: حسنی و یوسفیان، ۱۳۹۵: ص ۱۲۲). به طریقی اولی اگر مقررات فعلی حقوق ایران با پذیرش پیشنهاد ما به گونه‌ای اصلاح شوند که متضرر از بازداشت کاملاً قانونی اما ناعادلانه به منظور جبران خسارت ناشی از شهادت کذب و افتراء یا گزارش‌های خلاف واقع و مغرضانه، در وهله نخست به شاهد کاذب یا مفتری یا اعلام‌کننده مغرض مراجعه کند و تنها در صورت عدم تکافوی اموال شخص مسئول، برای جبران خسارت به صندوق وزارت دادگستری دلالت گردد، تعهدات بین‌المللی ایران نقض نشده و در عین حال، از مضرات مسئولیت نیابتی دولت به جای عده‌ای مجرم و متخلف اجتناب گردیده

است. بدیهی است چنانچه هر نوع تضییع حقی از متهم به علت تخلفات غیر عمدی یا تأخیر مقامات در انجام وظایف قانونی شده و موجب دستگیری یا بازداشت وی یا تداوم آن گشته باشد، مسئولیت دولت همچنان در چهارچوب پیشنهاد ما محفوظ است و مقتضای الزامات بین‌المللی نیز است.

برای جبران خسارت مادی در متون قانونی شیوه‌هایی متداول پیش‌بینی شده‌اند، لیک در جهت جبران خسارت معنوی شیوه‌های مشخص و روشنی پیش‌بینی نشده‌اند. روش‌های متداول به منظور جبران خسارت معنوی را می‌توان بدین شرح بیان کرد: الف- موقوف کردن یا از بین بردن ضرر؛ ب- عذرخواهی شفاهی از زیان‌دیده؛ ج- عذرخواهی عملی یا کتبی یا درج مراتب اعتذار در جراید؛ د- اعاده حیثیت از زیان‌دیده به هر نحو ممکن، مانند پرداخت مال یا مابه‌ازای مادی به زیان‌دیده. به نظر می‌رسد قسمت (د)، یعنی پرداخت مال یا مابه‌ازای مادی به زیان‌دیده مؤثرترین وسیله ممکن برای جبران خسارت معنوی باشد (حاتمی، ۱۳۸۲، شماره ۱۸)، اگرچه اعتذار رسمی از طریق نشریات کثیرالانتشار هم در بسیاری موارد ضروری و مفید است. تبصره «۲» ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی مقرر داشته است: «اگر رأی کمیسیون حاکی از درج حکم یا عذرخواهی در جراید باشد، مفاد آن برای انتشار به یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی ارسال خواهد شد.»

ماده ۲۵۹ به مسئولیت دولت برای جبران خسارت تصریح می‌کند ولی حکم قسمت اخیر ماده مزبور دلالت بر آن دارد که حکم ماده ۲۵۵ ناظر به مواردی است که اشتباهی از طرف مقامات قضایی سرزده باشد (بازداشت ناموجه). اما اگر بازداشت غیرقانونی به صورت عمدی صورت گرفته باشد یا ناشی از تقصیر مقامات مزبور باشد، مسئولیت متوجه بازداشت‌کننده خواهد بود و دولت به عنوان مسئول مستقیم از متهم جبران خسارت می‌کند و بعداً به شخص مربوط مراجعه می‌کند.

اعلام مغرضانه جرم می‌تواند از طرف شهروندان یا مقامات قضایی یا اداری یا انتظامی باشد. به نظر می‌رسد باید عبارت «مغرضانه» را ناظر به اسناد عمدی اتهام به دیگری دانست و منظور

قانونگذار این است که شخصی به دیگری افتراء زده باشد. نخستین نکته‌ای که از این عبارت به ذهن می‌رسد آن است که قانونگذار مقامات دولتی را در صورت اسناد اتهام به دیگران مسئول می‌شناسد و اعلام می‌دارد که از این حیث تفاوتی بین شهروندان عادی و مقامات دولتی وجود ندارد و همان‌گونه که یک شهروند عادی در صورت اسناد اتهام به دیگری تحت عنوان افتراء قابل تعقیب است، مقامات دولتی نیز در صورت اسناد اتهام قابل تعقیب خواهند بود و مسئولیت کیفری و مدنی آن نیز متوجه خود مقامات خواهد بود. حال، سؤالی که مطرح می‌شود آن است که آیا کمیسیون جبران خسارت رأساً به احراز مغرضانه بودن اعلام جرم یا تقصیر مقامات و اشخاص مسئول می‌پردازد یا اینکه دولت باید به مرجع کیفری یا انتظامی یا اداری صالح مراجعه کند و مغرضانه بودن اعلام جرم یا تقصیر اشخاص و مقامات را اثبات کند و بر اساس رأی مرجع مزبور به کمیسیون رجوع کند تا کمیسیون حکم به جبران خسارت علیه شخص مسئول نهایی به نفع دولت بدهد؟

به نظر می‌رسد کمیسیون استانی و یا ملی جبران خسارت، خارج از رسیدگی به ادعای متهم بازداشت‌شده، صلاحیت دیگری ندارد. قانونگذار در ماده ۲۵۹ به طور مطلق حکم به جبران خسارت را پیش‌بینی کرده و در صورت مغرضانه بودن اسناد اتهام به متهم بازداشت‌شده به دولت حق داده است که به مسبب ورود زیان به خزانه مراجعه کند. از این رو، دولت در چنین مواردی قائم‌مقام قانونی شخص متضرر و به منزله مدعی خصوصی بوده و باید با اقامه دعوی مدنی در دادگاه حقوقی صالح یا اقامه دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری صالح (نه کمیسیون) خسارت پرداختی به شخص ذی‌نفع را به قائم‌مقامی وی از مسبب زیان مطالبه کند و چنین دعوایی مشمول مقررات عام مسئولیت مدنی است. چنانچه دعوی دولت به طرفیت دارندگان پایه قضایی اقامه شود، بر اساس ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات، لازم است ابتدا در دادگاه عالی انتظامی قضات، تقصیر و تخلف مقام قضایی را به اثبات رساند و سپس در دادگاه عمومی تهران علیه قاضی مقصر، دعوی مسئولیت مدنی اقامه نماید. طبق ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی: «در صورتی که رأی برائت یا منع تعقیب صادره مبتنی بر یکی از علل مندرج در ماده ۲۵۹ قانون

باشد، کمیسیون پس از صدور رأی به لزوم جبران خسارت، می تواند مراتب را به وزیر دادگستری منعکس تا پس از اجرای رأی کمیسیون در راستای اجرای ماده قانونی مذکور اقدام نماید.». همین طور ماده ۲۶ آیین نامه متذکر گشته است: «در صورتی که هریک از کمیسیون ها در رسیدگی به شکایت تخلف قاضی را مشاهده نماید، می تواند مورد را به دادسرای انتظامی قضات اطلاع دهد».

نتیجه

نقیصه مهم مقررات موجود پیوند دادن غیرضروری و چه بسا زیان بار موضوع جبران خسارت ناشی از بازداشت به موضوع رفع اتهام از متهم است. از یک سو، چه بسا متهمی که به طور غیرقانونی و ناموجه بازداشت می شود در نهایت بی گناه اعلام نشود، مثل اینکه به دلیل شمول موارد موقوفی تعقیب از بازداشت آزاد شود یا اینکه به تشخیص دادگاه فقط مرتکب جرم نسبتاً کم اهمیتی شده باشد که به هیچ وجه نتواند بازداشت او را توجیه کند. از سوی دیگر، بازداشت اشخاص برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن آنها یا در راستای سایر اهداف مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری همیشه نباید تنها به این خاطر که متهم در نهایت تبرئه گردیده ناموجه قلمداد شود. بنابراین، بر اساس یافته های این پژوهش به ویژه رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر و نظرات کمیته حقوق بشر سازمان ملل، پیشنهاد می شود ملاک در قابل جبران بودن خسارت ناشی از بازداشت، غیرقانونی یا ناعادلانه بودن بازداشت باشد، به نحوی که کمیسیون جبران خسارت در هر موردی که بازداشت یا تداوم آن را غیرقانونی یا خودسرانه یا ناعادلانه تشخیص دهد و به این نتیجه برسد که عدم جبران خسارت دور از عدالت خواهد بود، قطع نظر از نوع رأی یا قرار نهایی صادره در پرونده کیفری، بتواند حکم به جبران خسارت بدهد. پذیرش این پیشنهاد، حقوق ما را به رعایت کامل بند «۵» ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نزدیک تر خواهد ساخت.

به رغم اینکه مقررات فعلی در خصوص پرداخت خسارت به کلیه اشخاصی که قرار منع تعقیب یا حکم برائت قطعی برای آنها صادر می شود در حقوق کشورهای نظیر فرانسه سابقه داشته و ممکن است بسیار جذاب و مطلوب جلوه کند، از تبعات ناخواسته و پیش بینی نشده این

نحوه قانونگذاری نباید غفلت ورزید. پیش از هر چیز، صدور رأی برائت یا قرار منع تعقیب گرچه قطعی شود، همیشه به معنی بی‌گناهی واقعی شخص نیست، بلکه بیشتر معرف بی‌گناهی حکمی یا قانونی است. حتی قانونگذار در ماده ۲۷۸ آیین دادرسی کیفری، پس از قطعی شدن قرار منع تعقیب، به شرط یافت شدن دلایل جدید، امکان از سرگیری تعقیب متهم را پذیرفته است. افزون بر این، امکان دارد که متهمی حتی با توسل به حيله یا تقلب یا بر اثر تبانی با شهود و مطلعین قضیه خود را بی‌گناه جلوه داده و به اشتباه تبرئه شده باشد. از این رو، پرداخت خسارت به همه اشخاص تبرئه‌شده ممکن است مشوقی برای برخی مجرمان واقعی باشد و آلام وارد بر بزه‌دیدگان جرایم اثبات‌نشده اما واقعی را تشدید کند. همچنین، اگر مقررات مورد بحث بدون هیچ ملاحظه‌ای به شکل فعلی اجراء گردند، بعید نیست که قضات در دستگاه قضایی برای اجتناب از مسئولیت دولت در پرداخت خسارت به طور نامحسوس تحت فشار قرار گیرند که از صدور رأی برائت برای متهمان بازداشت‌شده خودداری کنند یا سعی کنند، گرچه در موارد موجه و منطقی، از صدور قرار تأمین منتهی به بازداشت بپرهیزند. این خطر را به ویژه در کشور ما که حاکمیت قانون در آن در حد آرمانی تثبیت نشده نباید کوچک شمرد و از تفاوت‌هایی که با کشوری مثل فرانسه داریم به راحتی گذشت.

بدین ترتیب می‌توان گفت از جمله اقدامات اصلاحی که قانونگذار باید انجام دهد به شرح زیر است:

۱. پیش‌بینی جبران خسارت در فرضی که بازداشت متهم متناسب با اتهام وی نباشد، هرچند متهم تبرئه نشده باشد.
۲. متناسب‌سازی جبران خسارت با شخصیت متهم و پایگاه اجتماعی وی. طبیعتاً سلب آزادی از فرد بیکار برابر با سلب آزادی از فردی که دارای شغل مهم اجتماعی است و به واسطه بازداشت از درآمد ناشی از شغل مزبور بی‌بهره می‌شود دارای ارزش یکسان نیست. تدوین راهکاری در قانون که جبران خسارت با شغل و شخصیت شخصی که ناروا بازداشت شده تناسب داشته باشد ضروری است.

۳. تسری مقررات مربوط به جبران خسارت به خسارات معنوی، از آن جهت که مادهٔ مربوط در قانون آیین دادرسی کیفری از صراحت کافی برخوردار نیست.



منابع

الف) فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد.
- آشوری، محمد (۱۳۵۱). «بحثی پیرامون توقیف احتیاطی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۲.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶). عدالت کیفری، مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
- آشوری، محمد (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ نوزدهم، ویراست پنجم، تهران، سمت.
- حاتمی، علی اصغر (۱۳۸۲). «منتخب خسارات معنوی و شیوه‌های جبران آن در حقوق ایران»، نشریه قضاوت، شماره ۱۸.
- حسینی، محمدحسن، یوسفیان شورهدلی، بهنام (۱۳۹۵). موازین دادرسی منصفانه و اصول حاکم بر رفتار با اطفال معارض با قانون در اسناد بین‌المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر دانش.
- حیدری، الهام (۱۳۹۶). «مبانی و جایگاه قانونی جبران خسارات ناشی از بازداشت ناموجه در دادرسی کیفری ایران»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال هشتم، شماره ۱.
- خالقی، علی (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران، شهر دانش.
- شایگان، اسماعیل و آشوری، محمد (۱۳۹۷). «نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه»، فصل‌نامه پژوهش حقوق کیفری، شماره پیاپی ۲۳.
- مقدسی، محمدباقر و رضاقلی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۷). «جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه در نظام عدالت کیفری ایران و فرانسه»، فصل‌نامه پژوهش حقوق کیفری، شماره پیاپی ۲۳.
- ناجی، مرتضی (۱۳۹۴). آشنائی با آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات خرسندی.

– یوسفیان شوره‌دلی، بهنام، رسولی آستانی، لایلا (۱۳۹۲). «نگرش تطبیقی به جبران خسارت وارد شده بر محکومان بی‌گناه؛ از نظر تا واقعیت»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۸۲.

(ب) انگلیسی

- Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment. (1988). G.A. res. 43/173, annex, 43 U.N. GAOR Supp. (No. 49) at 298, U.N. Doc. A/43/49.
- Council of Europe/European Court of Human Rights (2019). Guide on Article 5 of the European Convention on Human Rights (Right to Liberty and Security), updated on 31 August 2019. Available at: www.echr.coe.int.
- Domnech-pascual, Gabriel & Puchades-navarro, Miguel, (2013). “Compensating Acquitted pretrial detainees,” Available at: <https://www.uv.es/gadopas/2013.Compensating.acquitted.pretrial.detainees.pdf> (visited 4 October 2019).
- Exoneration and the Road to Compensation: The Tim Cole Act and Comprehensive. Compensation for Persons Wrongfully Imprisoned, *Texas Wesleyan Law Review*, Vo. 17, 2010-2011.
- Human Rights Committee (1992). W.B.E. v. The Netherlands, Communication No. 432/1990, U.N. Doc. CCPR/C/46/D/432/1990 (1 December 1992).
- Human Rights Committee (2001). Colin Uebergang V. Australia, Communication No. 963/2001, U.N. Doc CCPR/C/71/D/963/2001, 22 March 2001.
- Michels, Johan David (2010). “Compensating Acquitted Defendants for Detention Before International Criminal Courts”, *Journal of International Criminal Justice*, No. 8.
- U.S. Code §897. Art. 97. Unlawful detention.
- UK Police and Criminal Evidence Act 1984.